

اطلاعیه نهضت آزادی ایران:

نهضت

۶۰

شیرین اخبار ارض وعدتنان

نهضت آزاد ایران

۱۹ - اردیبهشت ۹۹ - شماره ۱۰۸

ویژه نامه

استاد شریعتی

خدمتی که استاد شریعتی ها به نسل حوان و مسلمان ایران کردند

بقلم: مهندس بازرگان

پیش مخدا

و اذا شئتم علىكم الدين كقطع الليل المظلم
فقل لهم بالقرآن .

(فَرَمَّدَهُ رَسُولُ الْكَوْنِ كَمَّهُ زَمَانٌ فَتَنَّهُهَايَ تَارِيَكِي
همجون شب سیاه شما را فرا گرفت بقرآن روی
آورید .)

اگر به جهل، بسطه سال پیش برگشته وضع داشش آموزان و دانشجویان
از زمان و درس خواهد های ایران را دو نظر بسازیم که در دین و دنیا خود
زیگزگی آنها از جنده طرف سنتی و نابوی کرائیده بود و
ساهکار و یاسخکوئی مزای امدادها و تزلیلها نمیباشد، خدمتی را که شریعتی با
ظالقانی و همگامان قبیل و بعد آنان بجامعه خفته و حسنه ایرانی و مخصوصاً
روشنگران دیدنار و مبارز کردند، روش میشود .

آدمیزاد، قطورة و سنا به نظریه عمومی سیستم ها، (۱) هندقوی آرمانطلب
است، یا بنتیز دینی و فلسفی، بروسته است. مذهب بمعنای اعم بسیاری آن
که حیاتی و شیوه ای از برادر از رشها، قداستها و معالیها با نالانزین برترها است،
نکته: نایکی و لکن (۲) وروانشناسان اجتماعی، بعد جهارم و خود اسان میباشد .

آدمیزاد اکثر هدف اعلی و خدای یکتا را همچون ابراهیم خلیل، برای
سوق و زیدن، عبادت کردن و بسویش دویدن نشاخت و نیافت این خصوصیت و
ححلت را دارد که برای خود از موجودات طبیعی، مسئولیات رسیدگی، خواستهای
عاقلانی سا فکری و اجتماعی، معبد و هدف با ایدتو لوزی سوارد . آرمانطلبی انسان
صفحه در صفحه ۴

انحرافها مخالفت داشتند

در همین صفحه

در همین صفحه

مهندس بازرگان:

روحانیت با اسلام محدود مختص خود یعنی اسلام فقاhtی
با هرگونه بازگشت به اسلام اصیل وزدودن خرافات و

- رحلتی دیگر.
- اخبار

اطلاعیه نهضت آزادی ایران

بسعد تعالی

الْمُ تَرَكَتْ ضَرِبَ اللَّهُ مِنْ لَا كَلَمَ طَبِيهِ كَثُرَهُ
طَبِيهِ أَصْلَهَا نَعَمَتْ وَ فَرَعَبَهَا فِي السَّمَا - سُوی
اَكْلَهَا كُلَّ حِينَ نَادَنَ رَبِّهَا ... (۱)

شجره باک شریعتی که با اصل و ریشه ای رشد بافته ارخانداني همه اهل
علم و بندوق و باسدار حرم حق، در زمین ایران با آیه ای تو آی رسیده دوانده بود
و ساخسار شاخنس در آسمان بیکران معارف دینی او فرقان و سیمایلاغه گرفته تا
حدیث و حکمت و عقده و فلسفه و منطق و برها و علوم روز، سور و نیرو میگرفت و
در نقش معلم و مردمی سلطه ای متعدد خراسان داشتا "میوه و مخصوص" میداد . سرانجام
در روز چهارشنبه دوم از زدی بهشت ۶۴ در حالیکه عمری سایه و بناء حق میان
بود به سایه رحمت ایزدی پیوست، از خداوند غفور شکور مستلت مینماییم . باس
محاہدت های حستگی ناپذیریش دور از حق این شجره باک را در بستان سجست ماوی
بخشد .

این نک درخت استوار حاشیه کویر، قریب نیم قرن همچون سدی محکم
در سراسر طوایهای الحاد غرب زدگان و مارکسیستها، ارتجاج متعصمان و اسحراف
کسری گزی و بیانگری، خطه خراسان را پاسداری داد و در برابر تقطیع و سیدد
هیج نمروی سر خم نکرد .

سی شک استاد شریعتی در عین آنکه محور و قطب آسای حرکت ساسی
اسلامی در خراسان بود، از اصیل ترین احیاگران تفکر اسلامی و محققان و مفکران
در سطح کشور، بلکه دنیای اسلام، در نیم قرن اخیر بشارت میرفت .

استاد فقید به بیرونی از ابراهیم خلیل (ع) کعبه توحید را مکمل فرزید
اسمعیل (ع) در زمین و زمای دور از حق سنا نیاد و در دعای عارفانه ای اقبال

از این تلاش نجات خیلی بیاناتی بود که فرید آن حزب وابسته را خورد و بودند پس از پیک دندهای دریکار ۱۳ نفر از آنها دسته جمعی اسلحه دادند و برسم قدردانی کتابهای خود را باستان هدبه نمودند.

در آنچه از سه بیرون تولد های رسانا در دولت عضویت داشتند و وزارت فرهنگ
در اختیار "کشاورز" و "خالیل منکی"^(۴) بود و مدیران کل درجهنگ در استانهاي
 مختلف از طریق حزب تولد انتخاب میشدند و دبیران عضو حزب با حقوق دو
 سی امر چندین درجه ترقیع میگرفتند و در حالیکه شریعتی در رتبه ۱ اداری ناقیمانده
 بود دبیران همسطح که عضو حزب شده بودند با رتبه ۷ و ۸ دبیری به مدیر کلی
 رسیدند ، از یکطرف او را تطمیع میکردند و قدره ریاست میدادند و از طرف دیگر
 وقتی از این راه نامید میشدند به ترور تهدیدش میکردند و انواع تضییقات را در
 اهش بوجود می آوردند . باين ترتیب او در آزمایش تلاش و توکل سرمهلنده بیرون
 مدد و دنیا و دکان داشت نکرد و حقیقت را ندادای مصلحت ننمود ،

شريعیتی علاوه بر کلاس تفسیر قرآن و برنامه سخنرانی جلسات منظمی رای ساختن کادرها ورزیده از مصلحین و دانشجویان حبیت مقابله با افکار مخالف حزب نوده تشکیل داد و آنها را بمنطق و فلسفه و مبانی اعتقادی مارکسیسم ساخت.

علاوه بر مقابلمای که استاد با اسلحه برهان و استدلال در پرایر نیروهای

جب وابسته انجام میداد با جبهه گستردگی دیگری به سقوط حودش سخت‌تر بود و در برای افراطیون راست که برنامه تفسیر قرآن و سخنرانیهای روشگر او را بر ملا کنندۀ دستگاه و دکان و پوچی پندارهای خرافی خود تلقی می‌کردند موافق بود، لاش عظیم اوبرای تبیین فلسفه قیام امام حسین و نشان دادن مقایرت این فلسفه باستهای تخدیر کننده رایجی که در ایام محرم پرپا میگردید، از یکطرف موج خالافت قشری مسلکان مدعی ولایت را برانگیشت و از طرف دیگر سیل عظیم عاشقان حسین (ع) را در راهی تازه برای عبرت گرفتن از این حادثه تاریخی برآه انداخت. پس و بکه در روزهای ناسوحا، عا شوال جمعیتی مت加وز از ده هزار نفر در راهپیمایی تواریخی تبیین آته برناهمریزی بهشد برآه می‌افتدند و در هن گفته با نو باستنای سخنرانی استاد می‌نشستند. رژیم استبداد سال بسال و پندریج با ابحداد متوغیت برای سخنرانی، خطبه، شعر و سرود، ترجمه و قرآن و ... این برنامه اتحادیت محدودیت قوارداد تا سرانجام به تعطیل شد. کشاند.

از فعالیت‌های دیگر استاد شناساند چهره‌های دوختان تئکر اسلامی به نسل جوان بود تا با شناخت شخصیت‌های مصلح و متکر جهان اسلام وسعت نظر علو همت کسب نمایند و هویت تاریخی خود را در روزگاری که غرب ردگی حکم‌فرما بود بازیابی نمایند، در این مسیر معرفی سید جمال، عبده، اقبال و دیگران و جمهیر استاد و بعدها مرحوم دکتر قرار گرفت و کتابهایی در این پاره نوشته شد، تعطیلی "کانون نشر حقایق اسلامی" در مشهد، استاد را با جایت دعوت بازیابی ارشاد در تهران برای ایراد چند سخنواری راغب ساخت و با استقبال زیادی کذا ایشان در تهران بعمل آمد برنامه موقد و محدود ده شبه ایشان به چهار سال و خودهای انجامید که محصول این مدت دهها سخنواری و تالیف دو مجلد از مهمترین کتابهای استاد میباشد، علاوه بر فعالیت در حسینیه ارشاد، آن بزرگوار احیاء برتأله تفسیر قرآن رادر مسجد هدایت بمدت سه سال مادا میکه مرحوم طالقانی در زندان بود بعدها گرفت، و صلای پیام سازگشت به قرآن را که از کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد سر میداد در گاون "هدایت" تهران ادامه داد.

۱- آیا ندیدی چگونه خدا مثلی زد ، کلمه پاک، چون درخت پاکی است
که رسیده آن استوار و شاخ و برگش در آسمان گستردۀ باشد (چنین درختی) میوه
خود را پکسره باذن پروردگارش میدهد . . . (ابراهیم ۲۲).

۱۲ - کیهان فرهنگی شماره ۱۱ مورخ سهمن ۶۳ صفحه ۷ و ۱۳

۴- البته در این زمان خلیل ملکی هنوز از حزب توده انشعاب نکرده بود و کشاورز کارهای اداری و راستخانه و ملکی کارهای سیاسی تشکیلاتی آبراهام میدادند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دنباله اطلاعیه نهضت آزادی
ربوی و گرایش دلها مودم را طلب کرد، د
را در خراسان بنی نهاد و بکمک فرزند متکفرا
که همه جا رسیل الحاد و انحراف و ارتقای فرا
کلام شهید مطهری در شان آن بزرگوار که؛ "قد
که بطرف آنها دراز شد و آنها را نجات داد

را در خراسان بننا نهاد و بگمک فرزند متفکر و اندیشمند ش پایه های آنرا بالا آورد که همه جا را سیل الحاد و انحراف و ارتاجع فرا گرفته بود . جهه سخن درستی است کلام شهید مطهری در شان آن بزرگوار که : «قدرت فراوانند غریقانی که تنها دستی که بطرف آنها دراز شد و آنها را نجات داد دست بی طبع شریعتی بود ». اقبال مردم به این کانون و گرد آمدن حوانان حم . طلب پیروامون شمع وجود استاد فرزند برمندش ، همان دعای ابراهیم خلیل بن مکدار امامت را تداعی مینماید که به نیکوتربن وجه احبابت گردید . وجود دهها هزار دست بیورده و تربیت شده و دهها کتاب و جزو و صدها نوار سخنرانی شاهدی برپلاش خستگی ناپذیر آن استاد فقید برای ارائه اسلام راستین میباشد . دامنه فعالیتهاي مذهبی ، مبارزاتی این معلم برشور در نیم قرن گذشته آنجنان گسترده و وسیع است که قابل شعارش واحصا نمیباشد . اما برای آنکه اشاره به نقص و اهمیت آن گردد

با شیم ناکناربریم باختصار نگاهی به شرایط زمانی و مکانی آغاز این حرکت بیهودگیم . محمد تقی شویعتی در هیئت طلیبه نوجوانی که دروس ابتدائی دینی را نزد پدر و عمدهایش، گه همگی روحانی بودند، در زادگاه خود خوانده بود ، هنگامی برای ادامه تحصیلات عالیه دینی وارد مشید شد که بساط حوزه‌های علمیه توسط رضا شاه برچیده بیشد و اجتماع معتبرین در مسجد گوهرشاد گستاخانه به

مسلسل بسته شده بود در چنین شرایطی این حوان پرشور، تحصیل در حوزه و تدریس در مدارس را توانام آغاز کرد. تا سرانجام بساط آن مستبد برچیده شد و فرزند ۲۵ ساله بی تجربه‌اش که در فرنگ بنتکمیل تحصیل پرداخته و به محبظ آزاد آنجا خو گرفته بود زمام کار را بعدهد گرفت.

شهریور سال ۱۳۲۰ آغاز دوران نازمای است که نسیم بهاری به زمین سرد
و خفته این دیار میوزد و جنب و جوش و حرکتی می‌افزیند. در جنین شرایطی که
مردم از خواب طولانی بیدار شده و با تمدن و پیش‌فتنهای باور نکردندی دنیا های
خارج آشنا شده بودند بیش از همه نیروهای چپ، که در قاب حزب توده منشکل
شده بود، استفاده کردند و فوج فوج جوانان محصل و دانشگاهی را که سر خوردۀ
و مایوس از آموزش‌های متاخره و خرافی را بیرون خود کردند. متناسبه در این
دوره کسانیکه کسوت تبلیغ دین و ابه تن داشتند به اقامه شعائری تشریفاتی و
ظاهری در حد برگزاری مجالس روضه خوانی و وخت و خسته که غللاً ممنوع بود و
اینک بدليل می‌تجربگی مستهد جوان در سرکوب، حرکات مردمی و شرایط ویژه جهانی
آزاد شده بود — اکتفا میکردند و نگرانی از خروج فوج سر جوانان از دین بدل
باشد.

در چنین شرایطی استاد شریعتی که دروس عالیه دینی را در بالاترین سطح در حوزه‌های علمیه با تمام رسانده بود بجای آنکه منبر و محرابی تصاحب نماید و در مسجد گوهرشاد جلوی نماید کار معلمی را در مدارس مشهد بگزید و بدون تکبر و ادعا، به کار تدریس پرداخت. چه تلاشها کردند که او را در کسوت خود درآورند، حتی به هرچشم بروجردی (رحمه‌الله علیه) شیز متول شدند که شاید از راهی که برگزیده منصوص شایند اما آن بزرگوار نهیز راه او را تائید کرد و دعایش نمود.

خود مینویسد: «من از سن ۲۵ بی بعد که حزب توده فعالیت شدید داشت
مبارزه با آنها و اول از کلاسها شروع کرد - بعده دیدم
که من یک نفرم و بعضی دیگر که قبالاً آخوند بودند
بعل特 های ایشانی که وجود داشت به حزب توده وارد شدند
و انسنهشتزی - همان نهضت را در پیش از آنها

شریعتی برای مبارزه با انحرافات چپ و راست بجای ۱۸ ساعت تدریس
قانونی ۱۲ ساعت هم بصورت مجاني قبول تدریس نموده و علاوه بر آن بهمان
صورت رایگان ساعتی را نیز در دانشساو که پایکار تدوین‌ها شده بود، پذیرفت
و روزهای تعطیل خویش را به آموختش فوق برنامه محصلین اختصاص داد، با پنتریتیب
با تمام وجود و بقول خودش از صبح زود تا ۱۲ شب پنهان جهادی تن داد.

اردیبهشت ۶۶-صفحه ۳

آ پا تناقض و تضادی که در رفتار با استاد در زمان حیات و پس از مرگش شده چنین مقایسه‌ای را برای مردم پیش نمی‌آورد؟ (۲)

همان افراد موسوم به "حزب الله" که در سال‌گرد رحلت دکتر شریعتی بخانه آندرحوم پورش برداشت و ضمن مفهوم ساختن استاد شریعتی باکاراشکا و به مدعاوین حمله کردند و عده‌ای را مصدوم و عده‌ای را بدلاش واهی دستکیر و روایه زندان نموده خانه را به خرابه و سوخته مبدل ساختند. در روز جبارشنس ۲/۲/۶۶ نیز به مراسم تشییع در مشهد هجوم برداشت و با داشتن چاقو و پنجه پکس مثابعین را که در صف مقدم آنان خانواده استاد و آقایان دکتر صحابی و مهندس بازارگان و دکتر بزدی و دیگران بودند^۱ حمله قرار دادند. باین نیز اکتفا نکردند بلکه جنازه را برای آنکه تجلیل شایسته‌ای از استاد کرده باشد! ریومند و در صحن مطهر امام هشتم (ع) در حالیکه فرزندان و خانواده داغدار آن مرحوم با فریاد و استغاثه اعلام میکردند که میخواهند جسد پدرشان وادر بهشت رضا (قبرستان عمومی مشهد) دفن کنند از بلندگوهای صحن حرم اعلام می‌شد "بنا بر خواست خانواده شریعتی و نظر نماینده امام در آستانه قدس‌رضوی جسد استاد شریعتی در جوار مرقد مطهر آمد هشتم (ع) دفن خواهد شد"

سکفتان که ظلم، باجه ترفندی توجیه می‌شود؟ فرزندان، شاکردن و دوستان استاد شریعتی همگی شوق و ارادت به امام هستم را در جان و دل داشته و دارند ولی میخواستند جنازه استاد همچون زمان حیاتش که در مادگی و فقر و در میان مردم می‌زیست، دیگرستانی بدوز از شریعتات و نظاهر باشد.

باری فرزندان و دوستان استاد که میخواستند جنازه را به گورستان عمومی ببرند بدليل حملات پی‌رحمانه‌ی چین و ضرب و جرج وارد مجبور به نزد صنه شدند و تسلیم حکم احکام الحاکمین گشتدند. ولی این بی‌عدالتی و تزویر معنوان خاطره و عبرتی در تاریخ باقی خواهد ماند که اگر تقوی نباشد همه کار محاج میکدد.

در تهران نیز، از آنجاییکه زیراين آسمان همه جا به یکرک است، رفتاری مشابه رخ داد، دوستداران و شاگردان استاد که در روز دوشنبه ۷/۲ در مسجد ارغ برای طلب رحمت و مفترت گرد آمده بودند در حالیکه بدليل مخالفت با ایراد سخنرانی جز استماع قرآن مطلقاً کاری نداشتند مواجه با شعارهای نامناسب مجلس یا زشت و توهین آیین نسبت به برگزار کنندگان و تجمع و تهدید عده‌ای قلیل که خود را "حزب الله" می‌نامیدند شدند و با خاطر فریادهای آنها که علیرغم فرمان الهی سکوت، بهنگام قرائت قرآن، سرداده میشد و خطراتی که در این درگیری متوجه مردم بود مجبور به تعطیل و ترک مجلس گشتدند.

نهضت آزادی ایران ضمن تقبیح چنین اعمال رشتی که در تهران و مشهد مقابل دیدگان نیروهای کمیته و پلیس اتفاق افتاد و همواره نمونه‌ایش همه جا اتفاق افتاده و می‌افتد این سؤال را از حاکمیت مینماید که آیا سکوت حاکی از رضایت در مقابل چنین عناصر مخرب و خودسر به استقرار قانون و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی کمک میکند یا هرچهار و مرج و انجاز داخلي و آیوریزی برای اسلام و ایران نزد بیکاران بوجود می‌آورد؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده است که با تعقیب و محکمه این فتنه‌جویان و بی‌گیری جریانی که این افراد را هدایت و رهبری میکند گذشت آنچه ایجاد امنیت و استقرار قانون بردارید؟

در هر حال، امروز شرباشی امیان ما وقت است فردانوبت ما و شماست، ما با ازمانی که او بخانه‌شیش مردانه قیام کرد همچنان پاییند و قادریم و با تکل

سبقه در صفحه ۸

۱- نیز... (لغه خاله) قاصده ... چقدر زیاد است همسایی حالت‌های مختلف و نزدیکی شماست مثابای نوناگون با یکدیگر.

۲- اگرچنین دوکانگی شما در مورد استاد شریعتی وجود داشت شاید چندان جلوه نمیکرد اما متناسبانه در سالهای اخیر این شیوه‌ها در مورد کسانی مانند مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری نیز که در حیاتشان با بسیاری از بدعت‌ها و احرافات مخالفت میکردند اتفاق افتاد و پس از مرگ با تجلیل و تمجید فراوان طرفدار حاکمیت معرفی شدند.

بعد دیگر فعالیت‌های استاد، مبارزه سیاسی و افشاگری علیه رژیم شاه بود که در این راه چندین بار بزندان افتاد. اهمیت این تلاش او موقعی آشکار می‌گردد که بخاطر بیاوریم در آن مقطع زمانی نه چهره ظالمانه و سفاک آن مستبد، حتی برای خواص، آشکار شده بود و نه شخصیت‌های رسمی مذهبی حاضر بودند خطر مخالفت را متحمل گردند، شریعتی در نهضت ملی ایران بزرگترین نقش را در خراسان ایقا نمود و در قیام سی ام تیر و اعلام اعتراض علیه شاه و دولت قوام‌السلطنه فعالانه مبارزات مردم مشهد را رهبری کرد که در این رابطه دستگیر گردید، نامیره در مبارزات انتخاباتی دوره ۱۷ رهبری فعالیت‌های سیاسی مردم خراسان را بهده داشت و با رای قاطع همشهريان خود بنها بندگی انتخاب گردید که البته چنین انتخابی توسط ارباب و آستانه ابطال گردید، پس از کودتای ۲۸ مرداد استاد شریعتی بهضویت نهضت مقاومت ملی که تنها سازمان مشکل و نیمه مخفی در طول ۷ سال بود پیوست و فعالیت‌های پایگاه دهشت را پس از تهران با کمک پاران خود در کمیته ایالتی استان خراسان بوجود آورد. استاد در جریان این مبارزات بار دیگر در سال ۱۳۴۶ پس از دستگیری عده‌ای از سران نهضت متأثر ملی از حمله دکتر صحابی و مهندس بازگران همراه فرزند متکر و مبارز دستگیر و بزندان قزل قله تیران منتقل گردید. او پس از آزادی نیز دست از پیکار علیه رژیم شاه و اهالی ماهیت ظالمانه و وابسته آن بزندان داشت و باز دیگر در سال ۱۳۵۴ برای ارعاب و شکست روحیه فرزندش دکتر شریعتی بزندان افتاد. کم بیش از پیکال علی‌غم سالخوردگی و ضعف و نقاوت در زندان بسر برداشت.

شریعتی پس از انقلاب

این را در مورد متواتر که عمری را در راه معرفی اسلام و شناساندن قرآن سیری گردید و فرزند دلپندش را قرباتی این هدف نموده بود امید و آرزوها داشت که در آستانه بیار نشستن مجاهدتها مردم در انقلاب اسلامی شاهد حاکمیت از شهای راستین اسلامی و اهداف اصلی انقلاب مردمی در جامعه باشد. اما نه تنها که خون دلها در این هفت سال خورد و مهر سکوت را بخاطر جو حاکم با، نصب تابلوی "از بحث سیاسی مذکور" بولب زد بلکه حتی از برگزاری مجلس بزرگداشتی برای فرزند اندیشندش هم محروم شد و شاهد حمله مهاجمین وابسته به خانه شخصی و مضروب و مصدوم شدن مدعیین گردید. وقتی هم ناگزیر از ترک تهران شد و خواست بار دیگر در دوران حکومت اسلامی! کانون تبلیغات را که در دوران طاغوت تأسیس شده بود داشر نماید بار دیگر مواجه با حمله و هجوم همان قماش از مهاجمین غیرمسئول گردید. تا جایی که در پی از مصاحبه‌ها گفته بود در زمان شاه بارها کانون را تعطیل کردند ولی هرگز در آن نرسیدند! ... استاد در جواب کسی که پرسیده بود این تابلوی "از بحث سیاسی مذکور" را برای چه آویخته‌اید. گفته بود در مدندهای که ظلم و ستمی کشیده یا فرزندان خود را از دست داده‌اند چون پناهگاهی ندارند بدین روی می‌آورند و عقده دل خوبیش و آنرا نزد من با اش حسنه خالی میکنند. اما نه کاری از دست من ساخته است و نه میدانند وقتی از من دور می‌شوند چه آتشی در دل من باقی گذاشته‌اند که تا صبح قلب درا می‌پسندند...

اما، گرچه تجلیل‌ها از استاد قید بعمل آمد و جنازه‌اش را بدستور تولیت آستانه در جوار مرقد مطهر امام رضا (ع) دفن کردند و مقابله خیلی رسی پس از مرگش در مسجد و دانشگاه داد سخن در فضائل آن اخراج اندیشه قرآن و نهج البلاغه سر دادند اما مردم ما که نمونه‌ی فراوانی از این دوکاشی بعد از انقلاب دیده‌اند فراموش نکردند که پس از فوت دکتر نیز حقی حسون زاده معرفت (ساواکی) بخانه‌اش آمد و ادای احترام نموده اظهار داشت همه‌گونه امکانات دوستی سهیما است تا جنازه دکتر به مشهد منتقل شده در جوار حضرت نام‌الائمه (ع) در محل مناسبی دفن گردد. و اعلام کردند دانشگاه قزوین شایسته آن متکر شایسته (۱) آن متکر بعقل آورده بنای پادبودی خواهد ساخت، فما اشادعتمال الاحوال، واقرب اشتعال‌الامثال (۱)

دین و موجب رم دادن متدينین متجدد و مترقی گردید ، هر زمانی که در برابر مراجعه و پرسش تحصیلکاردها قرار میگرفتند ، چون مجهر سمنطق نوین نبودند و حتی اعتقاد بنظریات و اکتشافات علوم فرنگی نداشتند و در فالبها کهنه فلسفه یونانی و ذهنیات کلامی بصورت لفاظیهای سی پایه استدلال میگردند دفاع و اظهارات انسان نمیتوانست قاع کننده باشد .

از طرف دیگر باست شدن ایمانها و هروز انواع ابرادها ، ادیان انحرافی با ظاهر متفرق مانند بهائیت با افکار انتقادی امثال کسریو ، میدان مساعد در محاذیک پایخت و حتی در شهرستانها و پارهای از دهات پیدا گردد بود .

از نظر اجتماعی و سیاسی نیز با خالی بودن زمینهای فکری و بی تجربی اهالیان در فعالیتهای حزبی و مواجه ، توسعه و تبلیغات مارکیستی خطر جدی دیگری برای دیانت و ملیت مشمار میرفت ، در حالیکه از این جهات نیز کمیت علمی و اقراهای ملک بود .

* * *

در چنین شرایط بحرانی تاریک که طبقات جوان و با سعاد ایران احساس بی هدفی و بی تکلیفی وحشتناک کرد ، برآههای پاوسوالحاد و فساد میرفتند یا بدام مکانب ضد اسلام صدای افتداده ، سایر طبقات نیز قهره " دشادری آشنا میشند ، پیدا شدن مژدان دیندار داشت و روشنگران در دین مندی همچون استاد محمد تقی شریعتی که آشنا بزمیان روز و متوجه بمسئل اساسی اجتماع بوده و بدرود مردم برست ، موهبت بزرگ الپی محسوب میشد .

*

اینک که چنین فrust و اشارت بدست آمده است جا دارد ببرکت وجود استاد صحبت از او را با پاد و بهمراه سایر روشنگران دیندار در دین و همکامان پیشقدم یا پیروان او که بالاجتماع شریک در این خدمت اسلامی و اجتماعی عظیم بوده اند ، بخاطریم .

تا آنجا که اطلاعات ناقص و حافظه نارس اینجا نباشد ، می توانم نام از بزرگان ذیل برم که همگی رو به قرآن داشته بهترین راه دفاع از اسلام و ایران ، در برابر جلوه ها و فتنه های زمان همانطور که در حدیث نبی صدر مقالم آمده است ، در بازگشت بقرآن و ارائه حقایق اصیل اسلام جستجو کردند ، یعنی آقایان : حاجی میرزا حسن رشیدیه ، میرزا ابوالحسن خان فروغی ، سید اسدالله خرقانی ، شریعت ستگچی ، حاجی سید محمود طالقانی ، محمد تقی شریعتی ، حاجی سید غلام رضا سعیدی ، ابو تراب هدایی و شیخ مرتضی مطهری ... هر یک از این استادی ، بگونه ای بداد مردم معاصر خود رسیدند .

یکی با ناسیپیں و سرپرستی مدرسه بسیک جدید و با تدریس و تالیف تحت شعار طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه یا اطلبوا العلم ولو بالصین در روزگاری که حتی خواندن زبان فرانسوی داشتن یک کتاب خارجی گناه محسوب میشد .

سیگری که از خاندان ادب و سیاست ذکاء املک هالان درس فلسفه و تفسیر اثباتی قرآن ، بر مبنای تفکر علمی و استناد به اکتشافات و نظریات نوین ، و گذاردن آنها در برنامه دارالعلیمین مرکزی . سومی با تشکیل جمعیت در مسجد و ترکیب قرآن و ضمیر در مسائل انتقادی و اجتماعی مردم ، چهارمین با ایجاد کلاس های دینی منظم آزاد بسیک جدید در مسجد و در ساحت این مشرنی ممتاز مکتب قرآن ، همراه با مبارزه اسندهای افق افکار افراطی تشیع و دکانداری . بنجمی که همکی حوب میشایم .

ز شاگردش بودیم ارتقا و ارشاد خود را بجای آنکه از قم و در عوام بازار و رقابت فوار دهد ، بشرط تهران در میان دینداران و نسل جوان انتقال داد . بحای ذکر مصہب و مسئله و اخذ عنوان و صدقه ، بحث مسائل اصولی ایمانی و اجتماعی را پیش گرفت و بطریح و تفسیر قرآن بسیک گویا و روش ، در هر مجلس و منبر پرداخت .

قرآن را بعنوان راهگشاترین درمان در صحنه دین و دانش و در جامعه آورد ضمن آنکه نسبت به افکار و نظریات عصر تمدن و علم ، تجاهی و تکریر نوروز بده بدبده ، انصاف و تحقیق و استفاده به آنها مینگریست .

از طلاقانی که به شریعتی بگردید همان سوابق و تعلیمات عربی و فقهی را میباشیم که در حوزه های دینی و نزد استادی فن آموخته مطالعات قرآنی و تاریخی بقیه در صفحه بعد

تا سرحد آزماسازی است . زیرا که " اختیار " دارد و " اختیاج " دارد . انسان " خدابازار " است . خدابازی از جماد و حیوان و از ستارگان و فرشتگان و از سایر مظاهر طبیعت بیجان گرفته تا پدران ، پادشاهان ، بیغمران و بهشوابان پیران هاریقت و رهبران دین و سیاست . از کارخانه خدا سازی پسر ، از روزگاران پیش از تاریخ گرفته تا عمر علم تمدن جدید و دوران معاصر تکنولوژی و ایدئولوژی ، پیشهاست بت و رب النوع یا شفیع و شبیه و شریک برای جانشینی خدای لاشریک با دسترسی و علی البیل بیرون آمده است . همه سخن و جدال انبیاء و متوالیان و بزرگان با آنها برو سیرستش خدای پکتا و اعراض از بتها در چهره های لاتعد و انتخusi موجه است .

شرقیها به از غربیها صاحب رشد آن دارد و خدا پرست و خدا ساز ، همچنین نهادهند و پایمدهند بدهب ، در نزد ایرانیها بهش از سایر آسیاکیها و آفریقاییها عدهب ، خواه حق و خواه باطل آن ، عمل حرکت و حیات و یک نوع ضرورت مهیا شد . انقلاب اسلامی ایران و مخصوصاً تداوم و تحولهای بعدی آن خوب نشان داد که قدرت مذهب و معتقدات مردم و امکانات آن ناکجاست !

هموطنان ما که بهش از هزار سال بود به آئین اسلام و سیاست شیعه در آمده علیله و علاقه شدید بقدسات عذهب داشتند و تعامل طولانی را کدی میان فرهنگ و مذهب با حکومت در زندگی فردی و اجتماعی ما وجود آمده بود ، در سه قرن پیش با پیغامبر مسیح و سلطان از ایشان و دریافت تفوق و برتری آنان از جهات عدیده ، تکان سختی خوردند ، نه تنها نظام سیاسی و حکومتی بلکه نظام ارزشها و آمال ملی و عقائد مذهبیان دچارت لزل شدید گردید ، اگر از ایرانی و بطور کلی از آدم معتقد متفاوت دین و ایماش را بگیرید همه چیزش را گرفته و او را عربان و حیران رهای بیابان و حشتگان پراز دیو و دد کرده اید .

اروپائیهای مهاجم که سیاستمدار ماورای تاج و متخصص بودند بیشتر طمع بخاک و مال ماد اشند و سروکارشان با استقلال و قدرت ما و اندیشه های استعمار و استعمار بود . ولی آنچه غالب مردم و علاوه اندان صاحب نظر را در ایران (و در سایر کشورهای مسلمان) رنج میداد و موحشت انداخته بود ، بهش از استقلال و اقتصاد سلسله ملیت و مذهب بود و همچنین از دست دادن جیش فرهنگی و ملی و آنچه اخلاق و عقاید دینی را شکل داده و دنیا و آخرت را اداره میکرد . در قیام های آن ایام ، مانند قیام تنبکاو و حرکات ضد خارجی ، جنبه های دین و آداب ملی یا فرهنگ به جنبه های سیاسی و اقتصادی میچریید .

همراه با افراد مامور و کالاهای دلپیسند نوظهور ، سیلی از آداب و علوم و افکار جدید فرنگی وارد بلاد مشرق زمین گردیده ، علائقه و معتقدات متکی به سنت ها و بمنطق و افکار کهنه را برای کسانی که مختصر آشنا بای علوم و طرز تفکرهای نازه پیدا کرده بودند شدیداً مورد تهدید قرار داد ، نا آنجا که تمدن و تجدد و تحصیلات با دینداری و مسلمانی تعارض آشکار بیدا کرده بود . سنظر می آمد که راهی جز تبعیت از فرمانروایی و تقلید از اروپائیها و خود ندارد . طبقه ، باصطلاح امروزی روشنگری به لاقیدی و بیدینی و فحشا کشانده شده دنیا بروستی بصورت سطحی و زشت زود شگر آن ، یا ملی و پاکیزه ولی بی پایه ، جاگزین خدا برستی و دیانت میگردید و آیده آل بسیاری از رجال و بزرگان شده بود .

آن طبقه از ملت که انتظار میرفت بدنام از دین و حیثیت ما در برابر تهاجم فرهنگی و فکری غرب بپردازند ، یعنی علمای دین و روحانیت ، متواتستند یا نخواستند از عهده این مهم برآیند .

با غروری که به خود و به اسلام محدود مختص خود یعنی اسلام فقاھتی داشتند و با پاگشایی که در حفظ آداب و تشریفات سنتی و مبانی و مهارهای فکری چندین قرنی میگردند ، و با هرگونه پاکسازی و نوادگی پیاپیزگشت به اسلام اصلی و زدودن خرافات و انحرافها و اشتباهات مخالفت داشتند علاوه بر آن باطنها و علی - الاصول نسبت به تمدن و تجدد در چهره های کوناگون آن و نسبت به دانش و بیشنهای نوین عزادار خاص و انکار علی الاطلاق میورزیدند و پذیرش آنها را معارض مقام و منافع موروثی صنفی میدیدند . مواضع اتخاذ نمودند که در مجموع بزیان

کندگان اسلام مانند اقبال و سید جمال افغان و عبده و غیره با مستشرقین منصف و مدافعان اسلام، انجام میدهند و حشر و نشربا جوان و روشنگران و مبارزین مسلمان داشتند. آقای هدایی دبیر سابق دبیرستانهای اراک که پس از بازنشستگی به جا مشهد مقدس شد هماند و جلسات و اجتماعات مشروط و محدودی را در خانه خود برگزار می‌نمایند، مانند طالقانی و شریعتی سالها بجذب و ارشاد حوانان آن شهر بر محور قرآن و گفتار و کردار پیغمبر (ص) و امامان (ع) برداخته‌اند.

از استاد مطهری عزیز و ارجمند صحبت جداگانه نمی‌کنیم چون می‌شناشد و مکرر توصیف و تجلیل از ایشان شده و از سخنرانی‌هایش و کتابها و نظریاتش استفاده‌های شایان برداشته‌اند.

x

از جمله عوامل عمده محبوبیت این جمع در میان مردم و موقوفیت‌دان در نجات و حرکت نسلهای جوان، علاوه بر اخلاص در عقیده و عمل، مراتب انصاف و انصاف پذیری آنها و تواضعشان می‌باشد. انصاف و اعطا انصاف پذیری و تواضع، اولاً در برابر اکتشافات و ندامت و باعلموم و افکار غربیان و ارزیابی‌های مزاوای قابل قبول هستند و تجدد، ثانیاً برتر نداشتند و جدا نکردن خودشان از سایر ایرانیان، بای قبول همکاری و همکاری با خودشان و دنیا دیدگان.

از برکات‌این همکاری تالیف کتابهای متعدد از دو طرف با تیرازهای صد هزاری دکتر شریعتی، تأسیس و توسعه شرکت انتشار، ایجاد سخنرانی‌های عمومی فراوان - بنای حسینیه ارشاد و استقبال و استفاده عظیم قشراهای دانشجو و درس خوانده ایران و خارج کشور، اداره‌ها و بازاریها، اعم از مرد و زن، انجام تحقیقات و مطالعات، جوشان افکار و شهادت و ایثارها ...

همکاری واقعی حوزه و دانشگاه را اینها بودند که پایه‌گذاری کردند. ولی پس از انقلاب دچار اعوجاج و انحراف گردید. منظور اولیه از یکطرف چریان یافتن ایمان و معارف اسلام از حوزه‌های دینی و گنجینه‌های قدیم بدانشگاه و دانشمندان بود و از طرف دیگر دمیده شدن روح تازه و دید بازنتر در طلاق و روحانیت ایران، در اثر توجه به دنیا خارج از خودشان و به افکار و اکتشافات و اندیشه‌های در حال توسعه و بی‌پایان زمان، پس از پیروزی انقلاب نظر می‌آید برنامه حاضر و نیت حاکم بیشتر بسوی تضعیف نهالهای علم و تمدن و بازکشته تعليم و تکرکهای حوزه‌ای برای تقویت مواضع از دست رفته باشد.

خوب‌بختانه تعليمات و تحصیلات آن اصلاحگران و آموزگاران دین و دانش پس از فوتشان نیز بانضل خدا از بین نرفته است و نخواهد رفت.

همچون شجره طیبه، ریشمدار قرآن گسترش داشته و هر زمان بالاتر می‌بود و بارورتر می‌شود. بیداری و جنبشی علیرغم خفتگی و کهگی دین علیه جهل و استبداد بوجود آمده بود. ارتفاع بگذشته و انحراف اسلام اصیل ابراهیمی پشوی تازه در می‌سای انقلابی را نیز نخواهد پذیرفت.

خداآوری که نجات دهنده مومنین از تاریکیهای جهل و استوار بروشانیهای علم و ایمان است همه رفیثان و بازماندگان و دست پروردگان آن جمع جلیل را در سایه رهمت و هدایت خود حفظ نموده، نامشان را بلند و درس و آشراش را پایدار و پارورد سازد. بحق محمد و آل محمد.

۱- General Systems Theory

۲- Tanneguy de Quenétain

۳- یا "دین و دانش" اسم با مسمی و با هدفی که مرحوم حاجی شیخ العراقيین بیات برادر مرحوم سهام السلطان بیات روی دبیرستان موقوفه خود در قم گذارد و اداره آنرا مرحوم دکتر بهشتی داده بود. موقعی که عده‌ای از انجمن اسلامی دانشجویان تهران (با مهندسین) برای زیارت حضرت مصومه و دیدار با مرحوم بروجردی بهم بودند با مرحوم بهشتی و شاکرداں این دبیرستان آشنا و تبادل سخنرانی بعمل آمد.

دنباله‌ای مزید کردند. همان توجه بمسائل روز و خواسته‌های اصولی توده‌های درس خوانده و گرداننده، جامده که درگیر با اشکالات ایمانی و اجتماعی هستند. همان رهایی از بندها و دیدهای روحانیت سنتی و تمايل بزندگی با مردم، همراه با تبادل افکار و معلومات با دانشگاهیان و درس‌خوانده‌ها وبالآخره این امتیاز بر جسته که هردوی آنها خدا و اجتماع با مذهب و ملت را مخالف، بیگانه و جدای از هم نگرفته بودند و علی‌غم ملامت و خطرات مربوطه، شریک و همگام با ملیون در مهارزات ضد استبدادی و ضد استیلای خارجی، پا‌ازادی و استقلال نمی‌گردند (۱).

واز همکاری تشکیلاتی و حزبی با روشنگران ملی و مندیان امتناع نمی‌ورزند.

استاد شریعتی که خدایش فرق رحمت و منفعت خود سازد با استخدام در فرهنگ مشهد و دبیری ادبیات و علوم دینی در کسوت و جمع فرهنگیان و کارمندان درآمده، درود و دوای جامده و روشنگران و شیوه‌های کار را نهاده بوده است، اقدام به تاسیس "کانون نشر حقایق اسلامی" و تربیت سازمانی اعضاء مینماید انتخاب شهر مشهد از جهت قدرت ساز مذهبی دیرینه و دارایی و امکانات اوقافی عظیم آستانه‌که در گنبد و تپه در بار بهلوی و روحانیت قشی و دارای قرار گرفته و سد راه هرگونه پرکاری و حرکات نکاملی بود، باین اقدام اثلاطبی شریعتی اهمیت و ارزش خاصی می‌بخشد.

از آثار بر جسته خدمات استاد شریعتی و طرز تفکر و تعلیمات او، سهم برجسته‌ای است که در قیاس با سایر شهرهای ایران، کانونیها و مبارزین پیر و جوان مشهد یا خراسان، در جریانات نهضت مقاومت ملی، حبشه ملی، نهضت آزادی و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بعده داشته و مصممه‌انه و آگاهانه همکاری داشته‌اند، و بهمین دلیل بوده است که شخص شریعتی و فرزند و فرزندان و پاروان او، همواره مورد بی‌مهری، محرومیت، آزار و ممانعنهای ساواک و آستانه و استانداری آنزمان و نسخه بدلهای این زمانشان بوده‌اند، بعقیده‌های مولیان دولتی و دینی مشهد، نغمه‌های آزادی و خدمتکاری بدین و دنیای ملت، خارج از قلمروی حکومت و ولایت، تفاق و خیانت محسوب شده و ضرورت ممانعت و مراحت را پیدا می‌کند.

استاد که از پیشوان انقلاب و تائید کندگان امام در ورود پایوان بود بتدریج که خلاف اعتقاد و انتظارهای در برنامه‌ها و در گفتارها و کردارهای حاکم می‌بیند و چند بار در خانه فرزند پا شخصی مورد حمله و اهانت قرار می‌گیرد. حالت اعراض و ازدواج می‌گیرند. شاگردان و دوستان استاد لبخند تلخ بر تکار تاریخ زده می‌گویند همان‌طوریکه ساواک شاه، بعد از زندانهای پسر و پدر، تبعیدها و ممانعت‌ها و مراحت‌ها و جنجال تکفیری که علیه دکتر از ناحیه مقاماتی از روحانیت برآمد از اندخته بودند، قبل از شهادت یا فوت او مباردت بدروج بی‌اجازه، مقاله‌اش در کیهان مینمایند و بعد از فوت اصرار می‌ورزد که حنازه را با سلام و صلوات بهتران آورده در سایه عطفت و لینعمت بزرگ! دفن نمایند، برای پدر مظلوم و محروم شده‌از حسینیه و کانون و از منبر و مطبوعات، اشکها ریخته شده تا سف و تسلیتها و احترامات ابراز می‌گردد و اصرار می‌ورزند که او را بخود، جسمانند جالبتر از همه آنکه در حضور اعضاء خانواده و هزاران عزادار تشییع کننده که حنازه استاد عزیز را از مسجد شده‌تا صحن حضرت رضا (ع) بدوش کشیده، قصد داشتند پس از طواف در حرم مطهر، با آمیلانس، به بهشت رضا برد، همچون زمان حیات که می‌خواست در میان مردم باشد، بخاک بسیارند، شاهد حنازه ربائی می‌گردند! با حسرت و حیرت تمام از بلندگوهای آستانه می‌شوند که بنا بر خواست خانواده! و دستور... جنازه استاد فقید دریکی از غرضهای صحن "آزادی" دفن خواهد شد.

از بازماندگان آن جمع جلیل که خداوند سلامتی و توفیق و عافیت نمی‌بینند فرماید یکی آقای حاج سید غلامرضا سعیدی است و دیگری آقای ابوتراپ هدایی، هر دو بزرگوار مانند شریعتی در دامن دین و نزد اساتید عربیت و فقه و حکمت پرورش یافته‌اند. راه و رابطه‌ای هم با زبان فارسی و ایرانیت و با دانش و فرهنگ داشتند و شغل شریف دبیری و نویسنده‌گی را پیشه گرفته‌اند. آقای سعیدی که غیر از عربی و فارسی زبان انگلیسی را نیز مهندسته و با نشریات و اسناد مص瑞 و هندی آشنا و داشته‌اند خدمات بزرگ خود را از طریق ترجمه کتابهای پیروان و احیا

او اینسته در این دیوار سوپیدارانی نیز، به عظمت خود دارد
او در سیاهچال، ستم درخیم، شمع فروزان محلل زندانیان بود، این سینه
سوخته در سینه تفتیده‌انش انبیا شنه از کلام خدا و رسول، و در سیماش تسلیم
پنهارده فرن نشیع سرع مظلوم بود.
بار دوم کدب پایتخت آمد در سنگر حسینیه، ارشاد و مسجد هدایت،
حسین وار به هدایت حلق خدا پرداخت، در این مورد شحن استاد گویای این
مطلوب است.

... این بود که ما رفتم تهران و در آغاز قوار بود که ۵ شب سخنرانی
بکنیم (حسینیه ارشاد) و بعد از ۵ شب، ۱۵ شب شد، بعد ۱۵ شب ما شد
نزدیک ۴ سال و خردمندی، که ۲ سال شرآقای طلاقانی هم در زندان سودند و مسجد
هدایت را هم در ماه رمضان من اداره می‌کردم و سال بعد، ۱۵ روز به ماه رمضان
ماده، آقابان رامخرخ گردید، آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر سحابی و آقای
طللاقانی ۱۵ سال حبس داشتند ولی از زندان بیرون آمدند. وقتی آمدن بپرون
به متصدی مسجد هدایت تلفن کردم که آقا! حالا که خود آقا تشریف آورده‌اند
دیگر به خود آقا واگذار کنید و بند و مauf کنید.
ایشان خواستند چنان بزنند، گفتم شما را به خدا چانه نزند و گوشی را
گذاشتم شب آقای طلاقانی با ۵-۶ نفر از اراده‌مندانشان به منزل بدهه تشریف
آورد و فرمودند شما که ۳-۴ سال زحمت ما را کشیده‌ید امسال هم این زحمت
را تحمل کنید برای اینکه اولاً من در نتیجه ۴-۵ سال زندان خسته هستم و
(۱)...

ای خفته خسته،
ای طنین پر صلات خطبه
ای همیشه به پیکار
با جور و جهل واستثمار
ای تختنه از دن دنار
نشسته در دل خلیل
ای تفسیر نوین
پیام آور لزوم دین
برخیزو بین که پاران راسنین
در خشم و خروش جهل
زیر جلای دشنه و دشنام، دشمن
و پنجه، آهنین تعصب و گمراهی (۲)

به سوگ تو نشسته‌اند، اما عالم سواهای دیگری در این دیوار دغل نیز برای است
از سوئی پاران و همزمان تو در زیر ناسزا و تهمت و تهدید، اکتفا بد فاتح‌های
می‌کنند زیرا اجازه ندارند حتی سخنی را از پارشان باد کنند، و از سوئی دیگر
در زیر چلچراغ رنگارنگ و نور شمع‌های گلی، مهانه، رحل و چروها و فضای اکده
از گل و گلاب و فلاش نورهای پی در پی دوریمین پا شاعر و سخنور سریسیار در
دانشگاه بی‌دانش با دانشجوی سهادار، از تو باد می‌کنند.

یا فردایش اگر بار صاحبان نان و نان گرد هم می‌آیند و از تو با نام
استاد بزرگ اسلام شناس شرق و محقق شهریار باد می‌کنند.

خداآوندا، این چه بیوندیست میان پدر و پسر، وجه سرگذشت و سرنوشتنی
پسر و قنی که موگ سرخ را می‌پذیرد، اهربین زور و زر، اشک تماسخ می‌ریزد و از
او بنام استاد بزرگ، اسلام شناس و محقق شهریار باد می‌کنند و مجالس فرمایشی
و مقالات فرمایشی و سخنوارانی فرمایشی.
آری اینکه‌نگاهمه، تکرار تاریخ است...

بسمه تعالی

دحلتی دیگر

اگر می‌خواهی به عظمت انسانی پی ببری، باید جگونه زیستش را در
جغرافیای زمین و زمان دریابی، باید بدانی که در روزگارش پنجه در پیجه، چه
کسانی آویخت، با چه سلاحی و بارانی، باید بدانی که جگونه می‌اندیشد و حاصل
اندیشه و عملش چه بود.

او در جغرافیای زمین، سوزمین سوپیداران، سگفت، همچون شفایق عاصی
بر پهنه، کویر خموش برخاست و چون آنان آنین آزادگ را پیشه خود کرد، و
زمانه‌اش چه بسیار خفتگان و خود افروختگانی که در بزنداشت.

هندگاهه شهربور ۲۰ به بعد بود، تازه نواج چند جنگ خلقان گرفته بود
که جنگی دیگر در ایران آغاز گردید، جنگ اندیشه‌ها، از سوئی اندیشه کفر کوشیست،
با پشتیبانی ارتش سرخ بیگانه و تلاش بیگانان آشناز خاشن، حریف می‌طلبید.
آنهم در زمانه‌ای که خلائق همه‌ها و حشمت دیده بسته و از حضرت لب گزیده، زمانه‌ای
که ده بشارت کلامی بود و نه اشارت نگاهی، زمانه‌ای که یا باید سر بدار بود با
سرپهار و از سوئی دیگر اندیشه والا روشنگری توحید به سرداری مقنی شریعت،
نقی شریعتی، آری جنگ بک تن با انبوهی، سردار خودش می‌گوید "حقیقتاً" یک
تنه، خدای می‌داند." (۱) آری یک تنه، اکثریت رفقاًش در نیمه راه اوا وها
گردند و برای نان به دریوزه این و آن افتادند و یا برای نام در حزب خیانت نام
نوشتند و رتبه‌ای و لقمه‌ای و ... سخن استاد در این مورد جیز دیگریست.

"این آقایان همه در سنه ۲۳-۲۴، رتبه ۸ و ۹ دبیری شدند و مادر
سن ۲۸-۲۹، رتبه ۱ دبیری، این تفاوت ما با آنها بود که نهی خواستیم در حزب
توده اسم بنویسیم و حتی آنها قانع شدند، به اینکه من بطوط مستقیم به گنویسم
حمله نکنم و به مارکس و انگلیس و امثال اینها، در عوض آنها همان مزایایی را که
به رفقای دیگر ماده بودند به من هم بدهند، حتی شیطان هم ما را وسوسه می‌کرد
که این پیشنهاد و بهدیه‌یم چون در مضيقه بودیم و می‌خواستیم که این را قبول
کنیم، در آخرین مرتبه به خود گفتم که دنیا دارد هر از بیزب میدمدد و این پیشنهاد
را رد کردم" (۱)"

و جغرافیای این حرف را در زمانه‌اش دریابید تا به زفای عظمت این سودار
در این بیکار پی بردی، جنگی بس ناباور، از طرفی زیر، زیر ارتش سرخ و زره
ذر ثروت تزار و از طرف دیگر قدرت، قدرت یک ایمان و فقر، فقر یک افتخار.
او، این فرزند شریعت با چندین ایمان پای به میدان رزم گذاشت، با
کفر بیگانه (۲) و جور آشنا (۳) و جهل هماره پیدا (۴)، نبود می‌کرد.
تشکلی باید، چه بدون تشکل زحمات، همه‌ی برباد است و پایاگاهی و سنتگری
باید و آن کانون نشر حقایق اسلامی بود که برای پاسداری از فضیلت و دفاع از
آزادی برآبری و بیداری خفتگان، چونان درزی بولادین از اندیشه‌ها و الای بنا گردید.
او آنچه را که در توان داشت در طبق اخلاص گذاشت و بیان پیر طریقت
مریدانی پرورد که هر کدام پلی شدند در پهنه، مبارزات ضد ملی و دینی، تا اینکه
کانون او با نهضت پاران صدیق و همواره و قادر این بیوند خود و نهضت مقاومت ملی
را در این خطه راهبرد شد، و با این پیوند او مرز را شکست و عرضه جولانش از
خراسان گذشت و بهجای جای این پیوند شست سوزمین رسید.

این مصلح، این بیدارگار اقالیم قبله، این عاشق سرزه، این عاصی پر
شوره‌زار جور و جهل این مفسر، این مبلغ، فریادش تمحق شط حیات حامده، علیه
استیلاز خارجی و استبداد داخلی شد.
در نهضت ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت غوغای کرد، بزرگترین
حماسه ملی و مذهبی را آفرید، او را به بند کشیدند، کانویش و بستیند، و به
پایتختش آوردند، تا که در دیواری دورتر از سنگر خود، خفه‌اش کنند، اما غافل

أخبار

اینکه باعث ایجاد دردرس برای سرد مداران کاخ سفید و آفای ریگان پشیم ، خوشحال باشیم ، ما از این قضیه واقعاً خوشحال نیستیم و چنین قصدی نداشیم .

جلوگیری از اصلاح پیام تسلیت

به مناسبت درگذشت استاد محمد تقی شریعتی پیام تسلیتی در داشکده صدا و سیما به دیوار نصب می شود که انجمن اسلامی به این بهانه که تعابیر بکار رفته در پیام همچون ، استاد ، اسلام شناس مبارز و مستوه در مردم او مصادق ندارد ، پیام تسلیت را از دیوارکنده و تداعی خطوط دیگر غیر از خط امام را انگیزه عمل خود معرفی می نمایند .

زد و خورد در مراسم تدفین استاد محمد تقی شریعتی
بنا بر اخبار رسیده بعد از فوت استاد ، اعضای خانواده ایشان دو نظر پیدا میکنند ، دختران آن مرحوم و اکبریت بازماندگان خواستار دفن جنازه در بهشت رضای مشهد همانند بقیه مردم میشوند و چند نفری ، از حمله یکی از دامادها و برادرزادهها بخاطر رعایت تشریفات و با تواافق قبلی با آقای طبسی ، تولیت آستانه مایل به دفن مرحوم استاد در حرم رضا (ع) بودند — بحث وجدل بر سر این موضوع تا شنبه شب ادامه یافته و در ظاهر توافق ، می شود که جنازه در بهشت رضا دفن شود . آقایان مهندس بازرگان دکتر سحابی ، دکتر بیزدی ، دکتور نوسلی و سنصوریان که از طرف نهضت پیاری شرکت در مراسم تدفین عازم مشهد مقدس شده بودند از سوی اعده « خانواده » مرحوم استاد که میتوانند فوار می کنند . صبح ، بور چهارشنبه ، دوم اردیبهشت ، جنازه از مسجد بنها که فرار بود از آنچه به سمت حرم امام رضا (ع) نشیع شود حرکت داده میشود رهبران نهضت در پیش ایشان تا بوت استاد و زنی جلوی جمهوریت حرکت میکنند . در اینجا عدای از مردم ، جهت حفاظت آقایان از خطرات احتمالی ، داوطلبانه به دور آنان حلقه ای ایجاد میکنند ، در ناصله مسجد بنها تا بازار رضا ، چند نفر با اصطلاح حزب الهی شعار « عرا عراست امروز ، روز عراست امروز ، خمینی بت شکن صاحب عراست امروز » را سر میدهند که مردم با فریاد الله الا الله آنها را ودار به سکوت می نمایند . در نزدیکی حرم ، مخالفین تاب نیاورده و به جمعیت حمله می بوند که منجر به درگیری میشود . در این زمان پلیس دخالت کرده و مهندس بازرگان ، دکتر سحابی و دکتر بیزدی را که مورد حمله چند نفر قرار گرفته بود داخل ماشین کرده و از صحنه درگیری دور میکنند . برادری که داوطلبانه از آقای مهندس بازرگان محافظت مینمود موسیله « جاقوی مهاجمین » زخمی میشود . در این میان جنازه ناپدید شده و پس از مدتی معلوم میگردد که جنازه در اطراف صحن مطهر طوفان داده شده و علیرغم نظر اکبریت افراد خانواده مرحوم ، برای دفن در صحن آماده شده است . در این هنگام از بلندگوی صحن ازادی اعلام شده که بنها به تقاضای خانواده محترم مرحوم ، و موافقت حجت الاسلام واعظ طبسی ، آن مرحوم در یکی از غرفه های صحن دفن خواهد شد . اعتراض و داد و فریاد خانواده استاد به جایی نرسید و لذا به هنگام دفن پیکر پاک استاد ، تعدادی از افراد خانواده به نشانه اعتراض و مخالفت با این عمل محل را ترک می نمایند .

بعد از ظهر همان روز نیز در مراسم ختم آن مرحوم که در مسجد بنها برگزار شد ، آقای قدسی مشاور فرهنگی رئیس جمهور به سخنرانی می بردند در پایان مراسم آقای یوسفی اشکوری به مدت ۱۵ دقیقه سخنرانی ایراد کرد که مردم توجه و مردم توار گرفت .

بقیه در صفحه ۸

اظهارات قذافي در مورد جنگ ایران و عراق
به گزارش جانا خبرگزاری رسمی لیبی معمر قذافي گفت ما با ملت برادر عراق هستیم و برای تأمیت او پی عراق به عنوان بخشی چندان نشدنی از سرزمین اعراب در کنار آنان قرار داریم . ما به اولین عربی قهرمان و مجرم عراق سلام می فرستیم معاذک ما می گوییم که جمهور این ارتضی ، که ما نیز با آن هستیم ، ایران نیست بلکه فلسطین اشغالی است . وی خاطر نشان کرد عراق هرگز تمايلی به الحق یک کشور برادر به خاک خود را نداشته است و یک چنین الحاقی نیز به خاطر اینکه ایران یک ملت به تمام معنی است ، امکان ندارد . از طرفی عراق عامل بسیار مهم در بین ملل عرب است و ایران نیز نمی تواند آن را به خاک خود الحق نماید . یک چنین اقدامی امپریالیستی ، استعمارگرانه و توسعه طلبانه است . رهبر لبیخ خواهان توقف جنگ ایران و عراق شد و تصريح نمود که ادامه این جنگ بی نتیجه یک توطنه بر علیه انقلابهای ایران و عراق است و تنها برندگان آن نیز امپریالیسم و صهیونیسم می باشند .

اتحاد لبنان و سوریه

علامه سید محمد حسین فضل الله رهبر حزب اللہ لبنان در مصاحبه با روزنامه دولتی تشرين چاپ سوریه خواستار وحدت سوریه و لبنان شد . وی ضمن تأکید سخنان اخیر حافظ اسد مبنی بر اینکه لبنان و سوریه یک ملت در دو کشور را تشکیل می دهند گفت که وی برای تشکیل دولتی متشکل از لبنان و سوریه مانع نمی بیند . در همین حال حسین موسوی رئیس جنبش شیعی اهل اسلامی (طرقدار ایران) که همراه یک همیش از بنیادگرایان به سوریه سفر کرده است گفت که علیرغم « حداده منطقه بستا » که در جریان آن ۲۳ تن از بنیادگرایان حزب الله بوی سوابان سوریه در بیروت غربی کشته شدند مناسبات بین مسلمانان انقلابی و سوریه در چهار چوب مبارزه مشترک علیه اسرائیل تقویت شده است ،

تلash شوروی برای برقراری صلح ولادیمیر یتروفسکی معاون وزیر خارجه شوروی در خاتمه دیدارش از امارات گفت در مورد جنگ ایران و عراق معتقد به اقدام دسته جمعی هستیم و در همین راستا از اقدام دبیر کل سازمان ملل برای بروکاری یک اجلاس فوق العاده با شرکت وزرای خارجه کشورهای عضو شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق حمایت می کنیم . وی گفت پیشنهاد میخواهیم گروه بزرگ میان بین بزرگان اینکه میان این دولتی در زمینه حفاظ امنیت خطوط کشتیرانی تجاری در خلیج فارس تنها راه ممکن و عملی برای حفظ ثبات در منطقه می باشد . وی اضافه کرد ابر قدرتها باید برای خاتمه جنگ خلیج فارس در چارچوب سازمان ملل هرچند زدتر دست به اقدامات مشترک و هماهنگ بازند . وی در مورد راههای دیگر خانه دادن به جنگ ایران و عراق و اقداماتی که در این رابطه می باشند صورت گیرد گفت این اقدامات می توانند شامل جلوگیری از ارسال سلاح به طرفین ، دخالت نیروهای بین المللی جدا کننده نیروهای متخاصم و سایر مسائل دیگر باشد . وی خاطر نشان کرد که شوروی در این خصوص با آمریکا هم عقیده می باشد . در همین حال کشورهای عضو بازار مشترک اروپا از طرح تازه شوروی جهت برگزاری یک کنفرانس بین المللی به منظور خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق استقبال کردند .

ناخشنودی رئیس مجلس

آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی « خبر خود » در پاسخ به سوال خبرنگار واشنگتن پست که پرسیده بود آیا شما از اینکه ریگان را بازی داده اید و موجب شرمندگی او در آمریکا شده اید ، خوشحال هستید . گفت « چرا ما باید از

تلاؤت آیاتی از کلام الله مجید اکتفا میشود که متناسبانه علیرغم فرمان صریح الهی و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتون لعلکم ترجمون ما شد همینه، بعلت حضور تعدادی عناصر وابسته به حاکمیت که آزادانه همه کار میکنند و این باز نیز شعارهایی در طرفداری از حاکمیت، تداوم جنگ و اهانت، به رهبران نهضت پیدا ندادند، بارها قطع شد. مراسم نیز بدون اینکه امکان تحلیل از شخصیت آن مرحوم و پادشاهی خدمات و رنجهای او در راه شناساندن اسلام را سین به حاممه باشد به پایان رسید و بهنگام خروج سران نهضت از مسجد، دور حرمون افراد فوق الدکر قوار میگردند که با دخالت پلیس و نیز عده‌ای از مردم، آنها را از صحنه دور میکنند. این افراد در پیرون مسجد نیز همچنان به اهانت و دادن شعار ادامه داده و سین با هماهنگی قبلی بسوی میدان ولی‌عصر حرکت می‌کنند. جالب توجه آنکه روزنامه کیهان در اشاره «کوتاهی به مراسم مسجد ارک»، بدون توجه به جوادث و ماجراهای آن می‌نویسد که در این مراسم از شخصیت استاد تحلیل شد. در اینجا باشد پرسید که بدون اشکان برگزاری سخنرانی، علیرغم شعارهای غیر اسلامی که از شوش مخالفین برگزاری مراسم، از پیرون مسجد بگوش میرسید و تلاؤت آیات خدا را نیز قطع میکرد، جگone امکان تحلیل از چنین شخصیت عظیم اسلامی بود.

و چون قرآن بخوانند گوش بدان دارند و خاموش مانند، شاید رحمتان گشته.

سوره اعراف آیه ۲۵۴

بقیه ناز خشنه ۳

بخدا در پذیرش مصائب این راه با روی گشاده آمده‌ایم، اما سما، فراموش نکنید که این خلافت و درجات و مقامات جزو سیله آزمایشی بیش نیست و خداوند سریع-

العقاب و غفور رحیم است.

و هوالذی جعلکم خلائف الارض ورفع بعضكم فوق بعض درجات،
لیبلوکم فيما اتیکم ان ربکسریع العقاب و انه لنقول رحیم. (انعام ۱۶۵)
اگرقدرت اسلحه و گروههای ضربت رسمی و غیر رسمی طاغوت بدت شما افتاده است دیری نخواهید پایید که پاسخگوی اعمالتان در پیشگاه الهی باشید، بدانید که در معرض نظره الهی هستید.

ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم لمنظر کیف تعلمون (یونس ۱۴)

نهضت آزادی ایران

خواسته عزیز:

شرا بیط فرقاً لعادة کشور، اهمیت وظیفه امریبه معروف و سین از منسک و توقعات هموطنان شرا فهمتند و ستمدیده از نهضت آزادی ایران را دوچندان ساخته است.

مشکلات کمبود و گرانی کاغذ و وسائل شکنی و محدودیت‌های ما مستثنی ای نسبت که بر شما پوشیده باشد.

علیرغم همه این مصالح، نشایرات نهضت، با همراهی و همگانی شما همچنان تشهیه و توزیع میگردند.

نهضت آزادی مقابله با مشکلات و محدودیت‌ها و شهدیدهایی که در انجام این خدمت خودنشما بی میکند، بس از پیش خدا، بگمکنها میتوانی و مادی شما نیازمند است.

«لطلا» نظرات خودرا به صندوق پستی ۱۷۷۴-۱۹۱۵۵ میلادی داشته و کمکهای مالی را به حساب شماره ۱۱۵۹۱ بانک ملی ایران (واحد میلادی) بنام آقای مهندس توسلی و ریز و رسید آشنا رسال فرما بید.

آذرین خیان استاد مطہری شماره ۷۳۶

قیمت: ۸۰ ریال

دنباله رحلتی دیگر

ای برخاسته از کپر

برخیز

ای مراد علی

سودار سربدار آزادی

ای طلایه دار سهاده توحید

برخیز و بین که چه کسانی به سوگ تو نشسته‌اند

تو فریادر سایی فلات تفتیبده دوزان بودی

وهنگای گمراهی

بامداد شب‌های تیره

هانهای امروز در فلان دو به ماتم؟ نشسته‌اند که دیروز ترا به سکوت و ادار گردند و ترا به عزلت نشاندند.

اما ای خلائق او همی توجه خوشان بهام آزادی بود مگر میشود که آرام نشیند او چه کرد؟ سکوت؟ هرگز، با خطی خوش، در دیواره اطاق خاطره و مبارزه‌اش نوشت "از بحث سیاسی مذورم" و برای من، این نوشته، این بهام را دارد که

بیدار مشو گه مردم بیدار

بیدار گندد به جرم بیداری

هشیار مشو که جمله هشیار است

بر خاک گندد هرچه هشیار است

فریاد من ز دست استبداد

بر بند گندد به جرم آین فریاد

بر پای نهایست ز جور بیداری

با تغییر گشند هر که با بر جاست

آری این چنین است ای برا درواز بیدار، رحلت دیگر او را دیده، دیده بید که چه بزرگمودی را به تخته نایاب نهادند و بودند، در تعجب که خاک جگونه توانست این پیکر گران را از دیده‌ها پنهان کند و آسمان جگونه می‌تواند روح سهر و نستوه او را تاب آورد.

نه من هرگز باور نمی‌کنم در خاک خلفتے باشد

بزرگمودا

بیدار

صلحا

ای آیت خمسه انسان

ای پدر علی

ای مراد علی

نه، نه، من هرگز باور نمی‌کنم، در خاک خلفتے باش.

۱ - مصاحبه استاد با کیهان فرهنگی بهمن ماه ۶۳ - شماره ۱۱

۲ - اشاره به حمله مددای مذهبی مرتضی به دشنه و پنجه بکس به مراسم تشیع استاد در مشهد.

دنباله اخبار

مراسم ختم استاد مرحوم شریعتی در مسجد اول روز دوشنبه ۷ اردیبهشت از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، مراسمی جمیت بزرگداشت استاد شریعتی، از سوی جمیع از همکران و علاقمندان آن مرحوم، از جمله برخی از اعضا نهضت آزادی ایران در مسجد ارک برگزار شد. در آین مراسم که جمیعیت کنفری از اشخاص مختلف شرکت کرده بودند قرار بود آقای بوسی اشکوری سخنرانی نمایند که بعلت عدم حضور ایشان، از متولیان مسجد در طواست میشود تا با سخنرانی مهندس همدالله بازگان بهراون شخصیت آن برگوار موقافت نمایند که متناسبه مورد قبول واقع نمیشود، بهمین حمایت در طول مواسم تنهایه